



بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 4 / اسفند / 1399

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید آقایان محترم. تقریباً بعد از یک سال تجدید عهد شد و آقایان را زیارت کردیم؛ منتها دوست میداشتیم که در یک شرایط بهتری دوستان را میدیدیم، از نزدیک با آنها صحبت میکردیم که متأسفانه شرایط کنونی آن را ایجاب نمیکند. ولادت مولای متقیان امیرمؤمنان (سلام الله و صلوات الله علیه) را تبریک عرض میکنیم - که یکی دو روز دیگر است - و همچنین ولادت مبارک و ذی جود حضرت جوادالائمه (علیه آلاف الصلاة و السلام) را هم تبریک عرض میکنیم. در این فاصله برادران خوبی، دوستان عزیز، شخصیت‌های برجسته‌ای از این مجلس از دنیا رفتند، برایشان طلب آمرزش میکنیم. البته یک فهرستی به من دادند از همه‌ی درگذشتگان دوره‌ی پنجم که من دیگر وقت را نمیگذرانم، آقای رئیسی هم آن را فرمودند. خداوند ان شاء الله درجاتشان را عالی کند و جزای خیر به آنها بدهد و ما را موفق بدارد که قدر این چهره‌های برجسته‌ی علمی و عملی خودمان را بیشتر بدانیم.

بنده دو مطلب را آماده کرده‌ام که عرض بکنم: یک مطلب در مورد یک نیاز فکری جامعه است که حالا شرح خواهم داد، متناسب با این جلسه - به مناسبت حضور علما و فضلا و [مانند] اینها و مخاطب آن هم در واقع حوزه‌های علمی و فضایی حوزه و دانشگاه و مانند اینها هستند - یک مطلب هم یک مطلب سیاسی بین‌المللی است که آن را هم عرض میکنم.

لزوم کشاندن مفاهیم ارزشی و معرفتی اسلامی به عرصه‌ی عمل در مطلب اول، یکی از نیازهایی که مورد ابتلاء همه‌ی جوامع اسلامی و همه‌ی کشورهای اسلامی است و به آن نیاز دارند و بخصوص کشور عزیز ما که بحمدالله با نظام اسلامی اداره میشود به آن نیاز دارد، عبارت است از اینکه ما مفاهیم اسلامی را به مرحله‌ی عمل و به عرصه‌ی عمل بکشانیم. منظومه‌ی معرفتی و ارزشی اسلام یک مجموعه‌ی مفاهیمی است که آوردن این مفاهیم به میان مردم و آنها را به مرحله و منصه‌ی عمل درآوردن، یک کار بسیار بزرگ و مهمی است که ما هر جا این کار را نسبت به هر یک از این مفاهیمی که حالا بعد اجمالاً عرض خواهم کرد انجام دادیم، برای ملت و کشور و برای آبروی اسلام و جمهوری اسلامی ارزشمند بود؛ و هر جا غفلت کردیم، محروم ماندیم. در واقع عرض بنده این است که عناوین و مفاهیم معرفتی اسلام جنبه‌ی عملیاتی و ترجمه‌ی عملیاتی پیدا کند و عمل به آنها ممکن و رایج بشود که این به خودی خود نمیشود و احتیاج به تلاش دارد. حالا من دو سه مثال در این زمینه عرض میکنم.

ایجاد نهضت کمک مؤمنانه با گسترش مفهوم مواسات در عرصه‌ی عمل مثلاً فرض بفرمایید در همین قضیه‌ی اخیر کرونا؛ مفهوم «مواسات» یک مفهوم کلیدی است در مجموعه و منظومه‌ی ارزشی و معرفتی اسلام، که این مفهوم با یک قدری تبیین در جامعه، یک نهضت در همین ایام به وجود آورد: نهضت کمک مؤمنانه؛ و یک کار بزرگ انجام گرفت؛ یعنی مردم مواسات را از جایگاه یک مفهوم معتبر و مثلاً ارزشمند شرعی که همه قبول داشتند، آوردند به مرحله‌ی عمل، و شما دیدید در سرتاسر کشور چقدر کار انجام گرفت،



چقدر ارزش خلق شد با کارهایی که جوانها کردند، مردم کردند، گروه‌ها کردند، دستگاه‌های دولتی کردند، دستگاه‌های نهادی انقلابی انجام دادند؛ یک حرکتی راه افتاد، یک نهضتی انجام گرفت، گره‌هایی را باز کرد، کارهایی را راه انداخت. یعنی مفهوم مواسات این کشش را داشت، این ظرفیت را داشت که این جور تأثیر بگذارد و جامعه را تحت تأثیر قرار بدهد.

تبدیل و رواج مفاهیم ارزشی به عمل توسط امام (ره)

یا برویم جلوتر؛ این مفاهیم مهمی که امام (رضوان الله علیه) از آنها استفاده کردند مثل مفهوم توکل، مفهوم تکلیف، مفهوم ایثار - اینها همه مفاهیم شرعی است دیگر - تا مفهوم شهادت، مفهوم جهاد؛ اینها مطرح شدند و با حضور امام و با تحرک امام و با تبیین امام و با خواست امام که مؤید به اراده‌ی الهی بود، وارد عمل زندگی مردم شد؛ نتیجه این شد که ما مثلاً در هشت سال، یک جنگ در واقع بین‌المللی را توانستیم بر مخالفینمان پیروز بشویم؛ که این حرکت عظیم مردم در میدان جنگ ناشی از این مفاهیم بود؛ این مفاهیم را امام در بین مردم رایج کرد و اینها را از جایگاه مفهومی که همین طور در قرآن و در حدیث و مانند اینها میخواندیم و میگفتیم اما در عمل حضور نداشت، آورد در [عرصه‌ی] عمل؛ یکی این.

تأثیر تبدیل مفاهیم ارزشی و معرفتی به عمل در زندگی

یک مثال دیگری که از اینها به نظر من مهم‌تر است، این آیه‌ی شریفه‌ی «ما ارسلنا من رسول إلا لیطاع یاذن الله» (۲) است؛ اصلاً ارسال رسل برای این است که مورد اطاعت قرار بگیرند؛ این اطاعت، مطلق است یعنی در همه‌ی امور زندگی؛ که معنای مستفاد از آیه این است که زندگی مردم - چه زندگی شخصی خصوصی، چه زندگی عمومی - باید به وسیله‌ی دین اداره بشود. حالا البته بعضی این را ممکن است فقط منحصر کنند به مسائل شخصی، [مثل] نماز و روزه و مانند اینها؛ این جور نیست؛ اولاً به دلیل خود اطلاق این آیه، ثانیاً به دلیل آیات دیگر، [مثل] اینکه میفرماید: وَ كَاتِبٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ؛ (۳) خب این قتال با ربیون کثیر که کار شخصی نیست؛ کار اجتماعی است، کار عمومی است، کار حکومتی است. پس این آیه یک مستفاد این جوری دارد؛ امام این معنا را آوردند به میدان عمل؛ از آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّمَا أَعْطَٰكُمْ يَٰوَٰحِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِيْلَهُ مَثْنَىٰ وَ قَرَادَىٰ» (۴) استفاده کردند برای این معنا، نه اینکه «أَنْ تَقُومُوا لِيْلَهُ مَثْنَىٰ وَ قَرَادَىٰ» تا بروید نماز بخوانید؛ نه، تا حکومت درست کنید، تا نظام اسلامی درست کنید. امام از این استفاده کرد، یک نهضت راه انداخت در سال ۴۱، بعد در طول زمان، متفکرین، علاقه‌مندان، ارادتمندان، شاگردان امام و در رأس همه خود امام، این فکر را تغذیه کردند تا منتهی شد به وجود انقلاب، پدید آمدن انقلاب و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام برآمده از انقلاب. یعنی ببینید، مفاهیم قرآنی و اسلامی، مفاهیم معرفتی اسلام، این جور میتواند در زندگی تأثیر ببخشد وقتی که وارد میدان عمل شد. خب، این یک نمونه‌ای است از تأثیر معجزه‌آسای این سازوکار و این حرکت، که حالا این حرکت چگونه انجام بگیرد، خودش یک بحث دیگری است.

نیاز حکومت اسلامی به ابزارهای مناسب از منظومه‌ی معرفتی اسلام

خب حالا نظام اسلامی تشکیل شد. آنچه ما می‌خواهیم عرض بکنیم این است: نظام اسلامی که تشکیل شد، آرمانهایی را مطرح کرد که خود این آرمانها هم مربوط به اسلام بود و از قرآن گرفته شده بود. اینها قبل از تشکیل نظام اسلامی به صورت یک آرزو گفته میشد، یا ممکن بود به صورت آرزوی دست‌نیافتنی در ذهن کسی بیاید، مثل قیام به قسط مثلاً، مثل عدم تحمل ظلم - انظلام - (۵) مثل عدم استکبار، عدم ظلم، نبود ظلم، یا حیات طیبه، تعالی اخلاقی انسان، رواج فضایل و از این قبیل آرمانها - اینها آرمانهای اسلامی است؛ اینها آرمانهایی است که



جمهوری اسلامی مطرح کرده- [اما] چیزهایی نبود که در مرحله‌ی عمل بتواند مورد توجه قرار بگیرد. خب برای رسیدن به این آرمانها ابزارهایی لازم است. آن ابزارها هم که ما را به آن آرمانها برساند، باز در خود منظومه‌ی معرفتی اسلام بلاشک وجود دارد؛ چون امکان ندارد که مقصد را به ما بگویند و ما را تحریض (۶) کنند به رسیدن به آن مقصد اما راه را جلوی پای ما نگذارند؛ چنین چیزی امکان ندارد. بنابراین راهش هم در کتاب و سنت هست. حالا نظام اسلامی میخواهد به این آرمانها برسد، [لذا] بایستی این وسایل و ابزارهای رسیدن را که جزو مفاهیم معنوی و منظومه‌ی معرفتی اسلام است، جستجو کند، پیدا کند، اینها را عملیاتی کند و راه بیفتد؛ یعنی در واقع این یک نرم افزار است برای سخت افزار حکومت اسلامی. حکومت اسلامی را به عنوان سخت افزار در نظر بگیرید، اگر نرم افزار مناسب خودش را نداشته باشد، به هیچ کار نمیخورد. نرم افزارش همین است که راه‌های رسیدن به آن آرمانها مشخص بشود و حرکت در این جهت ادامه پیدا کند.

لزوم به‌روز کردن تفکر اسلامی به عنوان نرم افزار حکومت اسلامی

خب حالا من امروز این را میخواهم عرض بکنم که نظام اسلامی به یک چنین نرم افزاری بنابراین احتیاج دارد. هر چه نظام اسلامی گسترش پیدا میکند و دامنه‌ی فعالیت نظام اسلامی گسترده‌تر میشود و افزایش پیدا میکند و میدانهای تازه‌ای در مقابل جمهوری اسلامی باز میشود و با چالشهای جدیدی مواجه میشود- چالشهایی که قبلاً وجود نداشته؛ چون هر چه میگذرد، چالشهای جدید، میدانهای جدید، کارهای جدید مطرح میشود برای نظام اسلامی- به همین تناسب احتیاج دارد که آن نرم افزار را، آن مجموعه‌ی معنوی را نوبه‌نو تجدید حیات کند و به‌روز کند. عرض من این است. این، آن چیزی است که از فضیلتی صاحب نظر و متفکر بجد باید مطالبه بشود و این کار باید انجام بگیرد. اینکه میگوییم به‌روز کردن تفکر اسلامی و آن را- یعنی منظومه‌ی معرفتی اسلام را- نو کردن و به‌روز کردن، معنایش به هیچ وجه دست کاری در آن منظومه‌ی معنوی نیست؛ نه، معنایش این است که یک حقایقی در کتاب و سنت هست که ما تا وقتی احتیاج به آنها پیدا نکنیم، متوجه به آنها نیستیم، متنبه نیستیم؛ وقتی احتیاج پیدا کردیم، تنبه پیدا میکنیم. مثالهای زیادی هست که من حالا اینجا چند مثال را [عرض میکنم].

نمونه‌هایی از دقت نظر در مفاهیم و استخراج مضامین مورد نیاز

مثلاً فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه میشود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد میکنند، مثلاً تحریم را، بعد میگویند این را برمیذاریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد- این جور نیست که آدم را بکلی مأیوس کنند؛ میگویند برمیذاریم اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمی است؛ این شرطها ممکن است که شرطهای بشدت گمراه کننده و هلاک کننده‌ای باشد- در یک چنین وضعی انسان چه کار باید بکنند؟ اینجا انسان متوجه میشود که علاج این، «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ» (۷) است؛ چون این مسئله، مسئله‌ی عمومی است، مسئله‌ی شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر] هست؛ مخاطب «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِر» (۸) پیغمبر است و به مردم ربطی ندارد اما این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: فاستقیم کما أمرت و من تاب معک؛ همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما میخواهد. پس فهمیدیم که در این قضایا باید این جوری عمل کرد: «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ» باید عمل کرد؛ یا «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ (۹) توأسی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمل و پایداری. خب وقتی یک چنین چیزی پیش می‌آید، برای ما آن مفهوم «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ» کاملاً روشن میشود؛ قبل از این، خیلی مفهوم روشنی برای ما ندارد- که خب «وَمَنِ تَابَ مَعَكَ» یعنی مردم موظفند که استقامت کنند- یک امر کلی است، اما وقتی یک چنین



وضع‌ی پیش می‌آید، انسان می‌فهمد که یعنی چه. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آنها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می‌خواهیم مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می‌گیرد.

یا فرض بفرمایید تا مادامی که جبهه‌ی مرکب دشمن -جبهه‌ی شیطان که مرکب از شیاطین مختلف است- در مقابل انسان قرار نگرفته و انسان از همه‌طرف محاصره نشده، معنای این آیه را درست نمی‌فهمد که «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»؛ (۱۰) یعنی وقتی که مواجه شدیم با یک چنین پدیده‌ای که پدیده‌ی سختی است، دستپاچه نشویم؛ یعنی نه خودت دستپاچه بشو، نه مردم دستپاچه بشوند؛ دستپاچه نشوید؛ هذا ما وَعَدْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ این چیزی است که قبلاً گفته بودند که اگر شما در راه حق حرکت کنید، منتظر باید باشید که «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»؛ (۱۱) [این چیزها] خلاف انتظارتان نباید باشد؛ این گفته شده بود، میدانستیم. یعنی آن وقت و در آن شرایط این آیه درست خودش را مجسم میکند، زنده میکند، در واقع راه زندگی را به ما نشان میدهد؛ و همین طور موارد دیگری.

مثلاً از جمله‌ی چیزهایی که خیلی ذهن بنده را مشغول میکند به عنوان یک مسؤل، خطاب به حضرت یونس (سلام الله علیه) است که ایشان یک حرکتی انجام دادند که ناشی از یأس و خستگی بود یعنی قومشان به ایشان جواب ندادند؛ آن وقت خدای متعال به این پیغمبر که یک عمر هم در [بین] این جمعیت زحمت کشیده بود و خستگی برای او معنا نداشت می‌فرماید: «وَذَا التَّوْنِ إِذْ ذُهِبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ»؛ (۱۲) خیال کرد ما به او سخت نخواهیم گرفت؛ نخیر، بر او سخت می‌گیریم؛ و سخت هم گرفت و آن مجازات کذائی برای جناب یونس به وجود آمد. بنده غالباً وقتی که احساس بی‌عملی میکنم -چه در خودم، چه در دیگران، چه در مسئولین- به یاد این [آیه] می‌افتم که «فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ»؛ خیال میکنیم که این بی‌توجهی، بی‌اهتمامی، بی‌عملی موجب واکنش تند از طرف حضرت باری تعالی (جلّ جلاله) نخواهد شد؛ چرا، خواهد شد؛ یعنی این معنا عملیاتی میشود برای ما، عینی میشود و خودش را نشان میدهد.

لزوم گسترش عقبه‌ی فکری نظام اسلامی توسط متفکرین با پرهیز از التقاط و تحجّر خلاصه هر چه نظام اسلامی گسترش پیدا کند و جلو برود، با مسائل جدید داخلی و بین‌المللی مواجه خواهد شد، با چالشهای جدید مواجه خواهد شد، با وضعیتهای جدید مواجه خواهد شد و این او را نیازمند میکند به اینکه عقبه‌ی فکری تغذیه‌کننده‌ی نظام هم گسترش پیدا کند. آن عقبه‌ی فکری‌ای که نظام را دارد جلو میبرد و تغذیه میکند و از انحرافش جلوگیری میکند، باید تقویت بشود، باید مفاهیم جدید مطرح بشود. عرض کردم این مفاهیم جدید از بیرون نمی‌آید، از داخل خود مفاهیم اسلامی است، از متن قرآن و سنت است که مطرح میشود. البته این کار -پیدا کردن مفاهیم جدید و بحث کردن درباره‌ی اینها- کار همه کس نیست؛ فضلا و متفکرینی بایستی دنبال این کار بروند که با مبانی اسلامی کاملاً آشنا باشند، قرآن را با دقت مطالعه کرده باشند و تلاوت کرده باشند، تدبّر کرده باشند و از جمود و تحجّر فکری دور باشند؛ چون از این طرف یک خطر این است که یک آدم بی‌صلاحیت و نیمه‌سواد و التقاطی وارد استنباطهای جدید از آیات الهی بشود، از آن طرف هم این خطر وجود دارد که یک آدم متحجّر که هنوز مسئله‌ی دخالت دین در زندگی اجتماعی و سیاست و حکومت برای او حل نشده بخواهد وارد بشود؛ نه، باید انسانهای متفکر، شخصیت‌های برجسته [وارد کار بشوند]. این مسئله، مسئله‌ی اولی بود که خواستم عرض بکنم. این بحث ظرفیت



زیادی دارد برای بررسی کردن، مطالعه کردن و در پیرامون آن حرف زدن و به نتایجی رسیدن.

همکاری دولت و مجلس برای حل اختلافات و پرهیز از دوصدایی در مسئله‌ی هسته‌ای مسئله‌ی دوّم که بحث سیاسی است و مختصراً عرض میکنم، مربوط به این مسئله‌ی هسته‌ای است. خب در مجلس قانونی را تصویب کردند، دولت هم استقبال کرد و تا دیروز هم آن کارهایی که باید انجام بگیرند انجام دادند. یک موعد هم فردا است که این را هم ان شاء الله انجام میدهند. البته شنیدم امروز بین دولت و مجلس یعنی بین آن کاری که دولت کرده و آن برداشتی که مجلس دارد، یک اختلاف نظری وجود دارد؛ این اختلاف نظر را باید حل کنند و نبایستی این اختلافات این جوری را به حال خود رها کنند یا تشدید کنند و نشان‌دهنده‌ی دوصدایی باشد؛ نه، اینها قابل حل است و باید حل بکنند. بالاخره دولت خودش را موظف میداند به اینکه قانون را عمل کند، قانون هم قانون خوبی است. باید هم بدقت عمل بشود. و دو طرف در این زمینه با هم همکاری کنند که این عمل بشود. این حالا اصل مسئله‌ی قانون.

لزوم عمل کشورهای اروپایی به تعهدات برجامی و پرهیز از کاربرد ادبیات مستکبرانه اما طرفهای مقابل، این چهار کشور - یعنی سه کشور اروپایی و آمریکا - در این حرفهایی که این روزها میزنند و در بیانیه‌ای که صادر کرده‌اند، ادبیاتی که به کار برده‌اند ادبیات مستکبرانه، از موضع بالا حرف زدن و طلبکارانه و غیر منصفانه است. ادبیات غلط و خطائی است که اینها دارند به کار میبرند. مرتب در مورد تعهدات برجامی ایران بحث میکنند که چرا بعضی از این تعهدات را لغو کردید و به رو نمی‌آورند که خود آنها از روز اول به این تعهدات اصلاً عمل نکردند؛ یعنی آن کسی که باید مورد عتاب و خطاب قرار بگیرد آنها هستند. جمهوری اسلامی تا مدت طولانی‌ای به همه‌ی آنچه تعهد کرده بود، بر اساس تعلیم اسلام که باید به تعهدات عمل کرد، عمل کرد؛ بعد وقتی دید که آنها این جوری عمل میکنند، آن یکی که خارج شد، دیگران هم با او همراهی کردند، «فَإِنذِرْ لَهُم عَذَابَ سَاءِ»؛ (۱۳) این هم قرآن است، [میگوید] خب تو هم رها کن. حالا در عین حال دولت محترم ما رها نکردند، [بلکه] بتدریج یک مقداری از تعهدات را عمل نکردند که اینها قابل برگشت است؛ اگر آنها به وظایفشان عمل بکنند، اینها هم قابل برگشت است. آن وقت اینها هیچ این را مطرح نمیکنند، به رو نمی‌آورند، مرتب همین طور راجع به مسائل ایران حرف میزنند، آن هم با ادبیاتی از موضع استکبار؛ و بدانند - حالا بحث ما با آمریکا که بحث دیگری است - این سه کشور اروپایی هم بدانند که این جور مستکبرانه و متکبرانه حرف زدن، بشدت مورد نفرت ملت ایران و مورد نفرت انقلاب است و اینها را از آنچه هستند، در افکار عمومی ما منفورتر میکند.

ممنوعیت سلاح هسته‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و غنی‌سازی بر اساس نیازهای کشور خب بعضی [یعنی] آن دلکچ صهیونیست بین‌المللی هم که مرتب حرف میزنند که ما نمیگذاریم؛ شما چه کاره‌اید که نگذارید که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند! ما اگر تصمیم داشتیم به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنیم، شما و بزرگ‌تر از شما هم نمیتوانستید مانع بشوید. ما تصمیم نداریم؛ این فکر اسلامی ما است؛ فکر اسلامی ما میگوید سلاحی که در [کاربرد] آن، غیر مسلحین، غیر نظامی‌ها، و مردم عادی تلف میشوند، این سلاح ممنوع است. این سلاح ممنوع است؛ حالا هسته‌ای باشد یا شیمیایی باشد یا غیر اینها؛ این سلاح ممنوع است. ما به خاطر نظر اسلام است که نخواستیم دنبال این سلاح برویم و الا اگر میخواستیم برویم شماها کی هستید، چه کاره هستید که بتوانید جلوگیری کنید. شما خودتان مراعات نمیکنید اینها را؛ آمریکا در یک روز ۲۲۰ هزار نفر مردم عادی را قتل عام کرد. الان پنج سال است که در یمن مرتباً هواپیماهای تجهیز شده‌ی از طرف غربی‌ها می‌آیند مردم را، کوچه را، بازار



راه، مسجد راه، بیمارستان راه، مدرسه راه بمباران میکنند، مردم عادی را میکشند، مردم را محاصره‌ی آنچنانی میکنند؛ این کار آنها است. جمهوری اسلامی این ممشی (۱۴) و این روش را قبول ندارد لذا ما به سلاح هسته‌ای اصلاً فکر نمیکنیم؛ اما کارهای دیگر چرا. حدّ غنی‌سازی ما هم بیست درصد نیست؛ ما اگر لازم باشد، برای مثلاً پیشران هسته‌ای یا مسائل دیگر، ممکن است که غنی‌سازی را به شصت درصد هم برسانیم؛ این کارها چیزهایی است که هر چه احتیاج باشد آن را انجام میدهیم. حالا یک قرارداد چندساله‌ای گذاشته شده است، آن قرارداد را اگر آنها عمل کنند ما هم تا همان چند سال عمل خواهیم کرد اما به طور کلی نخیر.

مخالفت دشمنان با مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی جهت باج‌گیری از ما آنها میگویند ما با سلاح هسته‌ای مخالفیم؛ دروغ میگویند؛ این هم مسئله‌شان نیست؛ شاید بسیاری از آنها یا همه‌ی آنها میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ [آنها] حتی با سلاح متعارف ما مخالفند، با امکانات دفاعی ما مخالفند؛ میخواهند مؤلفه‌های قدرت را از ایران بگیرند؛ والا اصل نیاز کشور به غنی‌سازی یک امر مسلمی است. تا چند سال دیگر بلاشک نیروگاه‌های هسته‌ای یکی از مهم‌ترین منابع انرژی در کشورها خواهند بود. روزی که نفت تمام بشود یا روزی که [برای] نفت جهات دیگری به وجود بیاید، نیروگاه‌های هسته‌ای که سالم‌تر، تمیزتر، ارزان‌تر انرژی را تولید میکنند، در کشورها رایج خواهند شد. ما آن روز احتیاج داریم [اما] غنی‌سازی را آن روز نمیشود شروع کرد؛ باید از امروز شروع کنیم که آمادگی داشته باشیم، امکان داشته باشیم و آنها این را نمیخواهند؛ غربی‌های مستکبر این را نمیخواهند. اینها میخواهند که ایران در آن روزی که به انرژی هسته‌ای نیاز پیدا میکند، نیازمند آنها باشد، به آنها احتیاج داشته باشد تا بتوانند شرایط خودشان را تحمیل کنند، تا بتوانند زورگویی کنند و باج‌گیری کنند؛ دنبال این هستند.

تکیه بر توان و ظرفیت ملت ایران برای ایستادگی در مقابل زورگویی‌ها اینها الان نفت را بشکله‌بشکه میبرند با قیمت نازل - یعنی واقعاً پولی که برای نفت داده میشود، حقیقتاً قیمت بسیار نازلی است - طلب کار هم هستند. اگر بنا بود که نفت دست آنها بود، فرض کنید که انگلیس و فرانسه و آلمان تولید نفت میکردند و ما به عنوان ایران میخواستیم نفت بخریم، بطری بطری هم به این آسانی به ما نمیدادند و به قول معروف قیمت [خون] پدر و مادرشان را روی آن میگذاشتند تا به ما مثلاً یک مقداری نفت بدهند! اینها میخواهند انرژی هسته‌ای را به این شکل در بیاورند؛ نه، غنی‌سازی نیاز ما است، آن را خواهیم داشت و چیزی نیست که بشود آن را وسیله‌ای قرار داد برای زورگویی و مانند اینها. و آنچه برای ما مسلم و مشخص است، این است که در قبال این قضیه مثل قضایای دیگر جمهوری اسلامی، یک عده‌ای که خودشان را قدرتمند می‌بینند و قدرتمند میدانند، میخواهند زورگویی کنند، باج‌گیری کنند، جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کنند؛ و جمهوری اسلامی عقب‌نشینی نخواهد کرد. ما به توفیق الهی و به کمک الهی آنچه را مصلحت کشور است، آنچه را نیاز کشور است، چه نیاز امروز کشور، چه نیاز آینده‌ی کشور، تا آن قدری که توان ما اجازه میدهد - که الحمدلله توانمان کم هم نیست؛ توان ملت ایران، ظرفیت ملت ایران زیاد است - تا آنجایی که میتوانیم، ان شاءالله پیش خواهیم برد.

امیدوارم خداوند متعال نیت‌های ما را خالص کند برای خودش، و مسئولین ما را موفق بدارد تا بتوانند وظایفی را که بر عهده‌شان است انجام بدهند و از کار و تلاش خسته نشوند، از پا ننشینند و دنبال کنند، رضای الهی را درخواست کنند و ان شاءالله دعای حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) شامل حال ملت ما و مسئولین ما باشد و روح مطهر امام بزرگوار و شهدای عزیزمان هم از همه‌ی ما راضی باشد. امیدواریم ان شاءالله این اجلاس شما هم اجلاس موفقی



باشد، و بتواند به پیشرفت کار مجلس خبرگان کمک کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار - که در پایان هشتمین اجلاس هیئت دوری پنجم مجلس خبرگان تشکیل شد - آیت الله احمد جنتی (رئیس مجلس خبرگان) و حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (نایب رئیس مجلس خبرگان) گزارشاتی ارائه کردند.

۲) سوره نساء، بخشی از آیه ۶۴: «... ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند...»

۳) سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۴۶: «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند...»

۴) سوره سبأ، بخشی از آیه ۴۶: «... من فقط به شما یک اندرز میدهم که: دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید...»

۵) ستم‌پذیری

۶) برانگیختن تمایل یا انگیزه

۷) سوره هود، بخشی از آیه ۱۱۲: «پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]...»

۸) سوره مدثر، آیه ۷: «و برای پروردگارت شکیبایی کن»

۹) سوره عصر، بخشی از آیه ۳

۱۰) سوره احزاب، آیه ۲۲: «و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: «این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند...».

۱۱) سوره انعام، بخشی از آیه ۱۱۲: و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار.

۱۲) سوره انبیاء، بخشی از آیه ۸۷

۱۳) سوره انفال، بخشی از آیه ۵۸: «... [پیمانشان را] به سویشان بینداز...»

۱۴) رفتار، مشی